

بررسی عوامل بهبود کارایی در بانکداری اسلامی

نصرالله انصاری^۱

چکیده

بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای در زندگی مؤمنان مسلمانان برخوردار است. تداوم این نظام در بازارهای مالی کنونی به کارایی آن وابسته است؛ موضوعی که به یک چالش جدی تبدیل شده است. مسئله اصلی، ارتقای کارایی بانکداری اسلامی در چارچوب ضوابط و احکام شریعت است تا به سطح مطلوب کارایی نایل شود. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، عوامل مؤثر بر بهبود کارایی در بانکداری اسلامی در چهار دسته فنی، مدیریتی، بازاری و ساختاری بررسی و نتیجه‌گیری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی ظرفیت بالایی برای افزایش کارایی و حتی برتری در ثبات مالی نسبت به بانکداری متعارف دارد، مشروط بر آن که فاصله میان نظریه و عمل به حداقل ممکن کاهش یابد. کاهش این فاصله و تقویت رقابت‌پذیری، مستلزم اجرای واقعی و دقیق احکام اسلامی همراه با بهبود مستمر عملکرد در ابعاد فنی، مدیریتی، بازاری و ساختاری است. همچنین آمادگی و جدیت در اعمال و بهره‌گیری از نظارت شرعی، نقشی مهم در ارتقای کارایی بانکداری اسلامی ایفا می‌کند. **واژگان کلیدی:** کارایی، بانکداری اسلامی، نظام مالی و نظارت شرعی.

۱. دکترای علوم اقتصادی با گرایش اقتصاد اسلامی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی العالمیه،

قم، ایران

ایمیل: nasransari@yahoo.com

مقدمه

امروزه کارایی، معیار اصلی سنجش ماندگاری نهادها و سازمان‌ها به‌ویژه در عرصه اقتصادی است. نهادهای پولی و مالی به دلیل نقش مهم در تأمین منابع و اثرگذاری متقابل بر متغیرهای واقعی اقتصاد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از منظر اسلامی نیز تأکید قرآن بر «قوام» (نساء: ۵) در مدیریت دارایی‌ها و پرهیز از اسراف (انعام: ۱۴۱ و اعراف: ۳۱)، ضرورت کارایی در فعالیت‌های اقتصادی از جمله بانکداری اسلامی را برجسته می‌سازد. در جهان امروز، دو نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری رقابت نزدیکی برای کارآمد نشان دادن نهادهای مالی خود دارند. هرچند تلاش‌های گسترده‌ای از سوی پژوهشگران و دولت‌های اسلامی برای تقویت کارایی نهادهای مالی اسلامی انجام شده، دستاوردها در حوزه نظری چشمگیرتر از حوزه عملی بوده است؛ به‌گونه‌ای که فاصله میان نظریه و عمل همچنان محسوس است، در حالی که کارایی بیش از هر چیز امری عملی است.

اهمیت این موضوع و وجود این فاصله، نیازمند توجه بیشتر به راهکارهای تقویت کارایی نهادهای مالی اسلامی است تا بتوانند در رقابت جهانی موفق‌تر ظاهر شوند. این مقاله با مرور ادبیات و پژوهش‌های پیشین، ابتدا وضعیت موجود کارایی بانکداری اسلامی را در مقایسه با بانکداری متعارف بررسی می‌کند و سپس عوامل کلیدی بهبود کارایی را برای رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می‌دهد. ظرفیت محدود این نوشتار و تنوع شرایط کشورها موجب شده‌اند تمرکز بر عوامل مشترک باشد تا زمینه‌ای برای مطالعات تخصصی و موردی در آینده فراهم شود.

۱. مفاهیم پایه و ادبیات موضوع

در این بخش، دو مفهوم بنیادین که نیازمند تبیین و اتخاذ رویکرد مشخص هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند: «کارایی» و «بانکداری اسلامی».



۱-۱. کارایی

کارایی^۱ در هر سه نوع فنی^۲، تخصیصی^۳ و اقتصادی^۴، به معنای بهره‌برداری صحیح از منابع (حسینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۵۶) یا تولید بیشتر با نهاده کمتر است (اخوت، ۱۳۹۲: ۴۴). در مباحث نظری، سنجش کارایی معمولاً از دو رویکرد پیروی می‌کنند: حداقل‌سازی نهاده‌ها برای ستاده معین (ورودی‌محور) یا حداکثرسازی ستاده برای نهاده معین (خروجی‌محور) (ناظری و صادقی، ۱۳۸۲: ۲۸). در عمل نیز کارایی مفهومی نسبی است که از مقایسه عملکرد واقعی یک بنگاه با عملکرد ایده‌آل آن به دست می‌آید (حسینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۵۶). برای اندازه‌گیری کارایی، روش‌های مالی، پارامتری و ناپارامتری به کار گرفته می‌شود و در این چارچوب، به بنگاه‌های فعال در یک صنعت امتیاز عددی داده می‌شود؛ بنگاه‌هایی که امتیاز بالاتر (تا سطح ۱۰۰) کسب کنند، به‌عنوان واحدهای کارا و الگو برای بنگاه‌های مشابه معرفی می‌شوند (محقق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۳۹).

این تعریف و روش‌های سنجش در مورد بانک‌ها نیز صادق است؛ زیرا بانک‌ها با استفاده از نهاده‌های مشخص، خدمات بانکی تولید می‌کنند. در تطبیق مفهوم کارایی بر بانک‌ها، تعابیر متفاوت اما هم‌معنایی وجود دارد: برخی بر حداکثرسازی سود و برخی بر بیشینه‌سازی درآمد تأکید کرده‌اند (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۵ و ۱۹۷)، که هر دو به یک مفهوم بازمی‌گردند. در برخی تعاریف، کارایی بر اساس وظایف بانک‌ها تفکیک شده است؛ بر این اساس، کارایی در تجهیز منابع به معنای توانایی بانک در تجهیز منابع با هزینه کمتر، سهولت بیشتر و با شیوه‌های متنوع و سازگار با ترجیحات مشتریان است، و کارایی در تخصیص منابع به معنای تخصیص بهینه وجوه گردآوری‌شده به فعالیت‌های اقتصادی با

۱. Efficiency

۲. کارایی فنی (Technical Efficiency) به معنای دستیابی بنگاه به حداکثر ستاده از مقدار معین داده یا استفاده از حداقل داده برای رسیدن به مقدار معین ستاده است (بحیرایی و حامدی، ۱۳۹۱: ۵).

۳. کارایی تخصیصی (Allocative Efficiency) به معنای نحوه‌ای از ترکیب داده‌ها است که هزینه بنگاه را به حداقل برساند (بتمن و مک‌آدام، ۲۰۰۶: ۶۰).

۴. کارایی اقتصادی (Economic Efficiency) به معنای استفاده حداکثری از داده‌ها و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای که هزینه به حداقل ممکن برسد. به لحاظ فنی، کارایی اقتصادی از ضرب کارایی فنی در کارایی تخصیصی به دست می‌آید (حمدان بن محمد، ۲۰۱۵: ۷۱).

سهولت بیشتر و هزینه کمتر (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). در مجموع، کارایی زمانی حاصل می‌شود که بانک بیشترین سود یا بیشترین درآمد را با کمترین هزینه به دست آورد. در برخی پژوهش‌ها نیز کارایی به توان بانک در متأثر نشدن یا کمتر متأثر شدن از بحران‌های اقتصادی تعبیر شده است (فراهانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۲۲).

در حوزه بانکداری اسلامی، شماری از پژوهشگران به ضرورت بازنگری در تعریف کارایی اشاره کرده‌اند؛ زیرا ماهیت بانکداری اسلامی (مبتنی بر مشارکت) را متفاوت از بانکداری متعارف (مبتنی بر قرض) می‌دانند. شدت این بازنگری از نظر آنان متفاوت است. قحف، حداکثرسازی سود سهام‌داران را به تعریف متعارف می‌افزاید (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۷)؛ به این معنا که کارایی بانکداری متعارف بر حداکثرسازی سود سپرده‌گذاران و کارایی بانکداری اسلامی بر حداکثرسازی سود سپرده‌گذاران و سهام‌داران هر دو مبتنی است (صدر، ۱۴۰۱ق: ۳۲-۳۵). گروهی دیگر بر این باورند که با توجه به ویژگی‌های خاص نهاده‌ها و ستاده‌ها در بانکداری اسلامی، مفهوم کارایی و شاخص‌های آن باید بازتعریف شود (توکلی و کریمی، ۱۳۹۳: ۸۲). در مقابل، بسیاری از پژوهشگران ضرورتی برای بازتعریف نمی‌بینند و معتقدند مفهوم کارایی ماهیتی عام دارد و اسلامی یا غیراسلامی بودن نهاد مالی تفاوتی در تعریف آن ایجاد نمی‌کند.

با این حال، آیا می‌توان نتیجه گرفت که در بانکداری اسلامی نیازی به تعریف جدیدی از کارایی نیست و می‌توان با همان مفهوم رایج، میزان کارایی بانک‌ها را سنجید و برای بهبود آن اقدام کرد؟ پاسخ این پرسش نیازمند دقت است، اما با توجه به وضعیت کنونی بانکداری اسلامی و ادبیات موجود، می‌توان گفت در حال حاضر نیازی به بازتعریف کارایی نیست و می‌توان از تعریف رایج و روش‌های سنجش آن بهره گرفت تا شرایط رقابت برای بانکداری اسلامی هموار شود.

بر این اساس، تعریف مورد استفاده در این مقاله همان تعریف رایج است: «حداکثر ستاده با نهاده مشخص یا حداقل نهاده برای ستاده مشخص». ممکن است نوع نهاده‌ها و ستاده‌ها در بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف متفاوت باشد، اما این تفاوت مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا حتی میان بانک‌های متعارف نیز چنین تفاوت‌هایی وجود دارد.



برای سنجش کارایی بانک‌ها، معیارهای متعددی مطرح شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. پایین بودن هزینه‌های عملیاتی؛
۲. سهولت دسترسی سرمایه‌گذاران به منابع؛
۳. توانایی تخصیص منابع به فعالیت‌های اقتصادی مولد؛
۴. کاهش آثار تورمی فعالیت‌ها؛
۵. انطباق با وظایف تخصصی بانک؛
۶. تنوع شیوه‌های تجهیز منابع؛
۷. سهولت اجرای سیاست‌های پولی؛
۸. شفافیت فرایندهای عملیاتی برای سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۳۰).

علاوه بر این، بانک باید بتواند در کنار بخش حقیقی اقتصاد قرار گیرد و مانع از بروز بحران‌های مالی مانند بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۹ شود (فراهانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۲۲). شاخص‌های مقداری شامل میزان تأمین مالی، سپرده‌ها، هزینه‌ها و درآمدها نیز به کار می‌روند (حمدان بن محمد، ۲۰۱۵: ۷۳-۷۷). به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این معیارها مختص بانکداری اسلامی یا متعارف باشد؛ بنابراین، وصف «مشترک بودن» برای همه آن‌ها صادق است.

۲-۱. بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی^۱ به معنای بانکداری بدون ربا و مبتنی بر مشارکت در سود و زیان، یکی از تعابیر نظام بانکی در اقتصاد اسلامی است. در میان این تعابیر، بانکداری اسلامی جامع‌تر است، زیرا علاوه بر مشارکت در سود و زیان و ربوی نبودن معاملات، سایر جنبه‌های نظام بانکی مورد نظر اسلام را نیز دربر می‌گیرد (توکلی و کریمی، ۱۳۹۳: ۷۶). در تعریف عملیاتی، فلسفه وجودی بانک‌های متعارف که واسطه‌گری مالی هستند حفظ شده است، اما محدودیت‌های ربوی و الزامات واسطه‌گری از راه‌های شرعی مانند

۱. Islamic Banking

مضاربه، مشارکت و وکالت به آن افزوده شده است (صدر، ۱۴۰۱ق: ۹-۱۰؛ منور اقبال و همکاران، ۱۳۸۷؛ موسویان، ۱۳۷۸؛ میرمعزی، ۱۳۸۴).

صدر ضمن بررسی وضعیت واقعی و آرمانی جوامع اسلامی، دو تعریف حداقلی و حداکثری از بانکداری اسلامی ارائه می‌دهد. در وضعیت واقعی، با وجود بانکداری ربوی، بانکداری اسلامی باید بتواند کنار نظام ربوی فعالیت کند. تعریف حداقلی شامل سه ویژگی است:

۱. فعالیت‌های بانک مخالف شریعت نباشد،
۲. بانک به‌عنوان مؤسسه‌ای تجاری سودآور عمل کند، و
۳. اسلامی بودن بانک باعث موفقیت در عملیات و نقش‌آفرینی اقتصادی شود (صدر، ۱۴۰۱ق: ۸-۱۰).

در وضعیت آرمانی، بانکداری اسلامی همواره مطابق شریعت است و ضمن حذف ربا، اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام را نیز محقق می‌کند (صدر، ۱۴۰۱ق: ۵-۶). اکثر تعاریف جدید بانکداری اسلامی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از این دو رویکرد الهام گرفته‌اند. برای نمونه، قحف معتقد است بانک‌های اسلامی از نظر ساختار، اهداف و ابزارها مشابه سایر مؤسسات مالی هستند و تفاوت آن‌ها تنها در پایبندی به قوانین شریعت و اهداف کلی آن است (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۵). تعریف چپرا با رویکرد آرمانی سازگارتر است؛ او معتقد است بانکداری اسلامی فراتر از حذف ربا است و باید در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام حرکت کند (چپرا، ۱۹۸۵). موسویان و ایروانی نیز ویژگی‌هایی مانند حذف ربا، توزیع عادلانه تسهیلات، تعیین عادلانه نرخ سود، شفافیت معاملات، رعایت اخلاق بانکی و نظارت شرعی را برای بانکداری اسلامی ذکر کرده‌اند (موسویان، ۱۳۹۱: ۲۵-۴۶؛ ایروانی، ۱۳۹۴: ۲۳۸-۲۴۰).

با توجه به وضعیت کنونی که فاصله زیادی میان وضعیت واقعی کشورها و وضعیت آرمانی وجود دارد و بانکداری اسلامی در مواجهه با نظام ربوی فعالیت می‌کند، پیشنهاد این تحقیق بر تعریف حداقلی بانکداری اسلامی استوار است. این رویکرد امکان بهبود تدریجی و افزایش کارایی بانک‌ها را فراهم می‌کند و علاوه بر محدود کردن فضای فعالیت



بانکداری ربوی در کشورهای اسلامی، بانکداری اسلامی را به رقیب جدی در سطح جهانی تبدیل می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

مرور تحقیقات انجام‌شده، چه از نوع نظری و چه تجربی، تا حدودی وضعیت کارایی در بانکداری اسلامی را روشن می‌سازد. برخی مطالعات نظری نشان داده‌اند که بانکداری اسلامی به دلیل روش‌های تأمین مالی مبتنی بر مشارکت و نزدیکی بیشتر به مدل مطلوب مالک-تأمین‌کننده مالی، کارا تر از بانکداری غیراسلامی است. به عبارت دیگر، تخصیص منابع در بانکداری اسلامی بر اساس سودآوری پروژه‌ها صورت می‌گیرد، نه اعتبار کارفرما (اخوت، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۸). این مطالعات نشان می‌دهند که بانکداری بدون بهره، تسهیلات را به پروژه‌های مولدتر اختصاص می‌دهد و هماهنگی بیشتری بین منافع پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند، در حالی که بانکداری بهره‌محور چنین هماهنگی‌ای ندارد (همان، ۵۴).

برخی دیگر از مطالعات نظری، کارایی بانکداری اسلامی را در زمینه هدایت منابع به فعالیت‌های واقعی و مولد، افزایش اشتغال و تولید، کاهش تورم، تنوع ابزارهای سپرده‌گذاری و شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع بالاتر از بانکداری غیراسلامی ارزیابی کرده‌اند (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۵). در مقابل، بانکداری غیراسلامی به واسطه بهره‌گیری از ابزارهای انگیزشی، ثبات سازوکارها، تسهیل فعالیت کارکنان و مشتریان، انعطاف عملیاتی و کاهش محدودیت‌ها مانند فعالیت‌های قرض‌الحسنه و پیچیدگی قراردادهای، از مزایایی برخوردار است که در بانکداری اسلامی محدودتر یا دشوارترند (همان).

با وجود این، دستاوردهای نظری، اگرچه امیدبخش‌اند، اما وضعیت واقعی بانکداری اسلامی را منعکس نمی‌کنند. دستیابی به نتایج مطلوب تنها در صورتی ممکن است که بانک‌ها به این راه‌حل‌ها عمل کنند. بنابراین، برای ارزیابی واقعی کارایی، عملکرد عملی بانک‌ها اهمیت بیشتری دارد و مطالعات تجربی ضرورت دارد.

پژوهش‌های تجربی، هرچند کمتر از مطالعات نظری هستند، اما به دلیل اتکا بر داده‌های

واقعی، قابلیت ارزیابی کارایی بانکداری اسلامی را دارند. به عنوان نمونه، مطالعه‌ای بر ۱۱۰ بانک، شامل ۶۴ بانک ربوی و ۴۶ بانک اسلامی، نشان داد که از میان ۱۰ بانک کارا، هیچ‌یک بانک اسلامی نبوده است؛ این یافته بیانگر وضعیت نامطلوب کارایی بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری غیراسلامی است (نادری و صادقی، ۱۳۸۲: ۳۹).

در مطالعه‌ای دیگر، عملکرد ۱۸ بانک ایرانی و ۱۸ بانک خارجی در دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی در ایران، چه با فرض بازدهی ثابت به مقیاس (CCR) و چه با فرض بازدهی متغیر به مقیاس (BCC)، کارا تر از بانکداری اسلامی در سایر کشورهای مسلمان عمل کرده است؛ به طوری که متوسط کارایی در ایران به ترتیب ۸۹/۲۵ درصد و ۹۳ درصد و در سایر کشورها ۷۹ درصد و ۸۵/۶ درصد بوده است (محقق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۳۹).

در یک تلاشی دیگر، کارایی ۴۰ بانک در کشورهای اسلامی با هر دو فرض بازده ثابت و متغیر به مقیاس اندازه‌گیری شده است. در فرض اول، بانک اسلامی بین‌المللی قطر، بانک ملی سودان، بانک خیبر پاکستان، بانک البركة اسلامی بحرین، بانک اسلامی ABC بحرین، بانک اسلامی یمن و بانک البركة ترکیه کارا شناخته شدند. در فرض دوم، بانک اسلامی قطر، بانک اسلامی بین‌المللی قطر، بانک اسلامی عربی آل‌بانی، بانک حبیب پاکستان، بانک اسلامی سنگال، بانک ملی قزاقستان، بانک مصر SAE، بانک ملی سودان، بانک اسلامی ابوظبی، بانک خیبر پاکستان، بانک البركة اسلامی بحرین، بانک اسلامی ABC بحرین، بانک‌های کشاورزی، مسکن، ملی، رفاه و صادرات ایران، بانک اسلامی یمن و بانک البركة ترکیه کارا بودند. متوسط کارایی در بانک‌های کشورهای اسلامی، در حالت بازده ثابت ۶۴/۶ درصد و در حالت بازده متغیر ۷۷/۹ درصد بوده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۳۶).

تحقیق دیگری نشان داده است که بانکداری اسلامی در مواجهه با بحران‌های مالی، نسبت به بانک‌های متعارف کارایی بیشتری دارد. این مزیت ناشی از عواملی مانند استفاده از قراردادهای واقعی مبتنی بر تعادل بازارهای کالا، خدمات و سرمایه، پیوند سود و زیان میان سپرده‌گذاران، بانک‌ها و سرمایه‌گذاران، کاهش هزینه‌های تولید با حذف بهره، کاهش



نوسان‌های اقتصادی از طریق افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد و شواهد تجربی است (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۲۲).

بر اساس گزارش سالانه مرکز بانکداری و تأمین مالی اسلامی دبی (DCIBF) در سال ۲۰۱۵، از میان ۱۳۱ بانک اسلامی در جهان، بانک اسلامی کویت با امتیاز ۰/۹۰۱۶ بالاترین رتبه کارایی کل و بانک ملت ایران با امتیاز ۰/۴۱۲۶ پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. از لحاظ منطقه‌ای، در میان ۲۰ بانک برتر، ۱۳ بانک از کشورهای شورای همکاری خلیج، ۵ بانک از ایران و ۲ بانک از مالزی قرار دارند. همچنین، در میان ۵۰ بانک اول از ۴۰۰ بانک و مؤسسه مالی اسلامی فعال در بیش از ۶۰ کشور، ۲۹ بانک از کشورهای شورای همکاری خلیج، ۶ بانک از ایران، ۹ بانک از مالزی و ۶ بانک از سایر کشورها هستند (حمدان بن محمد، ۲۰۱۵: ۷۸-۸۲).

تحقیقات تحلیلی و تجربی و گزارش‌های DCIBF نشان می‌دهند:

بانکداری اسلامی در وضعیت فعلی، کارایی کمتری نسبت به بانکداری غیراسلامی دارد؛ این موضوع به دلیل سیطره نظام بانکی ربوی و محدودیت‌های قانونی، ساختاری و انگیزشی طبیعی است.

بانکداری اسلامی در صورت عملکرد واقعی و غیرصوری، توان رقابت با بانکداری غیراسلامی را داشته و حتی می‌تواند کارایی و ثبات بیشتری از آن ارائه دهد (حمدان بن محمد، ۲۰۱۵: ۷۸-۸۲).

۳. عوامل مؤثر بر کارایی در بانکداری اسلامی

با توجه به دو وظیفه اصلی بانک، یعنی تجهیز و تخصیص منابع، بانک باید بتواند این فرآیندها را با کمترین هزینه ممکن انجام دهد. این تعریف، جنبه فنی کارایی را نشان می‌دهد، در حالی که نحوه ترکیب عوامل نیز در افزایش یا کاهش هزینه‌ها نقش دارد. به بیان دیگر، هدف بانک رسیدن به کارایی اقتصادی است که هم شامل میزان کل هزینه‌ها و هم نحوه توزیع هزینه‌ها میان عوامل تولید می‌شود. نکته مهم دیگر، تفکیک عوامل کارایی در تجهیز منابع از عوامل کارایی در تخصیص منابع است. طبیعی است که عواملی

که منابع سرگردان را با کمترین هزینه در اختیار بانک قرار می‌دهند، با عواملی که منابع جمع‌آوری شده را به پروژه‌ها و مصارف تخصیص می‌دهند، متفاوت باشند. با این حال، عوامل کلی و مشترکی نیز وجود دارند که می‌توان بر اساس آن‌ها کار را آغاز کرد. این عوامل که به عوامل کارایی فنی در صنعت بانکی معروفند، در چهار گروه صرفه‌های ناشی از مقیاس، فناوری اطلاعات، کیفیت دارایی‌ها و ریسک دسته‌بندی می‌شوند (دانش جعفری و شفیع، ۱۳۹۰: ۱-۳۳).

۱-۳. صرفه‌های مقیاس در تابع هزینه

بانک‌ها باید مقیاس خود را نزدیک به مقیاس بهینه هزینه قرار دهند. هر چه مقیاس بانک به این حد نزدیک‌تر باشد، هزینه‌ها کمتر خواهد بود. در عمل، اندازه بانک با حجم کل دارایی‌ها سنجیده می‌شود (دانش جعفری و شفیع، ۱۳۹۰: ۱-۳۳). این عامل ممکن است برای بانک‌های اسلامی چندان مطلوب نباشد، زیرا صرفاً به سود بنگاه توجه دارد و ممکن است این بانک‌ها اهداف دیگری نیز مدنظر داشته باشند (حمدان بن محمد، ۲۰۱۴: ۱۹).

۲-۳. کیفیت دارایی‌ها

هر چه دارایی‌های بانک سودآورتر باشد، کارایی بالاتر خواهد بود. در بانکداری اسلامی، برخی دارایی‌ها مانند قرض الحسنه سود مشخصی ندارند و این امر هزینه متوسط بانک را افزایش داده و کارایی آن را کاهش می‌دهد.

۳-۳. ریسک فعالیت‌های بانکی

ریسک نقش مهمی در کارایی دارد؛ ریسک بالا کارایی را کاهش و ریسک پایین آن را افزایش می‌دهد. در بانکداری، عقود مبادله‌ای (بازده ثابت) ریسک کمتری دارند، اما عقود مشارکتی (بازده متغیر) به دلیل نامشخص بودن سود، ریسک بیشتری دارند. نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی معمولاً به عنوان نمایه ریسک و در نتیجه کارایی بانک استفاده می‌شود (دانش جعفری و شفیع، ۱۳۹۰: ۱-۳۳). با توجه به ماهیت مشارکتی بانکداری اسلامی، این بانک‌ها در معرض ریسک بالاتر و کارایی کمتر قرار دارند.



۳-۴. فناوری اطلاعات

هرچه بانک از فناوری اطلاعات پیشرفته‌تر برخوردار باشد، تجهیز و تخصیص منابع با سهولت و هزینه کمتر انجام می‌شود. موضوع اتوماسیون و بانکداری الکترونیک در این زمینه اهمیت دارد و می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی کمک کند (دانش جعفری و شفیع، ۱۳۹۰: ۱-۳۳).

این عوامل اصلی و مشترک کارایی در بانکداری اسلامی و غیر اسلامی هستند. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از این عوامل برای بهبود کارایی در بانکداری اسلامی بهره برد؟

۴. عوامل مؤثر بر بهبود کارایی در بانکداری اسلامی

با توجه به وضعیت کنونی بانکداری اسلامی که از نظر شاخص‌های کارایی در مرتبه‌ای پایین‌تر از بانکداری متعارف قرار دارد، این نظام باید همزمان دو مسئولیت سنگین را بر عهده گیرد: نخست پایبندی به ضوابط شریعت، و دوم بهبود کارایی به منظور رسیدن به سطح رقابت‌پذیر و حتی پیشی گرفتن از بانکداری غیراسلامی. از آنجا که این دو هدف در بسیاری موارد با یکدیگر سازگار و حتی تقویت‌کننده‌اند، و در موارد ناسازگاری نیز گزینه‌های جایگزین وجود دارد، بانک‌های اسلامی نه تنها دچار بحران نمی‌شوند، بلکه می‌توانند از تجربه‌های بانکداری متعارف، به‌ویژه در حوزه کارایی فنی، نیز بهره‌مند شوند. عوامل کارایی را می‌توان در چهار دسته فنی، مدیریتی، ساختاری و بازاری بررسی کرد.

۴-۱. عوامل فنی

عوامل فنی به حوزه «کارایی فنی» مربوط می‌شوند که بخشی از کارایی اقتصادی را تشکیل می‌دهد. در این بخش بر صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهره‌برداری مطلوب از عوامل تولید و استفاده از فناوری اطلاعات تأکید می‌شود.

الف) صرفه‌های مقیاس

تأثیر اندازه بنگاه بر هزینه‌های آن از اصول پذیرفته‌شده اقتصاد است. تا زمانی که با افزایش تولید، هزینه متوسط کاهش یابد، صرفه‌های مقیاس وجود دارد. شواهد تجربی نشان

می‌دهد که اندازه‌های بسیار کوچک یا بسیار بزرگ‌تر از حد بهینه، هر دو باعث کاهش کارایی بانک‌های اسلامی می‌شود. بنابراین، دستیابی به مقیاس بهینه، بهبود کارایی را در پی دارد.

گزارش DCIBF یکی از چالش‌های بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متعارف را کوچک بودن اندازه بانک‌های اسلامی دانسته و ادغام یا فعالیت در سایه بانک‌های بزرگ‌تر را راهکار مناسب معرفی می‌کند (حمدان بن محمد، ۲۰۱۴: ۱۹). موضوع ادغام در مطالعات دیگری نیز مطرح شده است (منور اقبال و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱). نتایج برخی پژوهش‌ها در ایران که نشان‌دهنده رابطه منفی میان اندازه بانک و کارایی است، با بی‌توجهی به مقیاس بهینه توضیح داده شده‌اند؛ به این معنا که ناکارآمدی بانک‌های بزرگ به دلیل عدم انطباق با صرفه‌های مقیاس است (رازینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۷۸). بنابراین اصل مسئله، از نظر نظری و تجربی، قابل پذیرش است؛ اما پرسش مهم آن است که چه سازوکارهایی بانک‌ها را به مقیاس بهینه می‌رساند؟

۱. جذب سپرده و مشتری بیشتر

بانک‌های کوچک مقیاس با افزایش تعداد مشتریان و سپرده‌ها می‌توانند به مقیاس بهینه نزدیک شوند. جذب سپرده نیازمند تکنیک‌های خاص است. سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت هر دو اهمیت دارند. گرچه بانک‌های اسلامی سود را میان دارندگان حساب جاری توزیع نمی‌کنند، ارائه خدمات مناسب و کاهش هزینه‌های مرتبط با حساب جاری، نسبت نقدینگی و در نتیجه سودآوری را افزایش می‌دهد. سود بلندمدت نیز تابع رشد سپرده‌ها و منابع سرمایه‌ای است که امکان ایجاد دارایی‌های سودآور را فراهم می‌کند. سپرده‌های خارج از ترازنامه نیز با افزایش بازدهی سهام‌داران می‌توانند ابزار جذابی برای جلب مشتری باشند (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۶-۱۸۷).

۲. ارتقای کیفیت خدمات

بهبود کیفیت خدمات بانکی، روشی آزموده‌شده برای جذب مشتری، رسیدن به مقیاس بهینه و ارتقای کارایی است. هرچند ارتقای کیفیت خدمات در ابتدا به دلیل آموزش و



توانمندسازی کارکنان، هزینه‌های کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند، اما در بلندمدت موجب صرفه‌جویی می‌شود (گروبس و رینباخ، ۱۹۹۱: ۷-۸). ارائه خدمات باکیفیت انگیزه کارکنان و رضایت مشتریان را افزایش می‌دهد و این دو اثر، بهره‌وری و سودآوری را تقویت می‌کنند (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۷-۱۸۸).

ارائه خدمات متنوع و متناسب با نیاز مشتری، از الزامات بهبود کیفیت است. بانک باید بتواند نه تنها به خواسته‌های موجود مشتری پاسخ دهد، بلکه خدمات جدید و مفیدی را پیشنهاد کند (گروبس و رینباخ، ۱۹۹۱: ۲۸). تجربه نشان می‌دهد بانک‌هایی که خدمات‌رسانی به سپرده‌گذاران متوسط و مشتریان کوچک را بهبود می‌دهند، همچنان می‌توانند به واسطه صرفه‌های اقتصادی، سود قابل توجهی کسب کنند (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۸).

۳. نقش حرفه‌ای بودن کارکنان

کیفیت خدمات تا حد زیادی به حرفه‌ای بودن کارکنان وابسته است؛ کارکنانی که توانایی ارائه توضیح واضح و کامل درباره خدمات بانکی و پاسخ سریع و دقیق به نیازهای مشتری را داشته باشند. چنین ویژگی‌هایی اعتماد مشتری را افزایش می‌دهد و این اعتماد به سود بانک تمام می‌شود (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۰). برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و ایجاد ظرفیت دانشگاهی برای تربیت نیروی متخصص در بانکداری اسلامی از راهکارهای پیشنهادی است (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). برخی مطالعات نیز افزایش تعداد کارکنان تحصیل کرده را عامل بهبود کارایی دانسته‌اند (رازینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

۴. گسترش خدمات و مهندسی مالی

گسترش خدمات بانکی یکی دیگر از ابزارهای جذب مشتری و افزایش سپرده است. در بانکداری مدرن، توانایی افزایش سپرده‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری یکی از معیارهای موفقیت است و این امر ارتباط تنگاتنگی با فعالیت بخش مهندسی مالی دارد (مرلین، ۱۹۹۴: ۶۱-۷۲). در بانکداری اسلامی نیز به دلیل ماهیت نوآورانه آن، مهندسی مالی نقش کلیدی دارد؛ بانک اسلامی باید مجموعه‌ای از محصولات سرمایه‌گذاری جذاب ارائه

کند تا مشتریان دارایی‌های خود را به این بانک منتقل کنند (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۱). به‌ویژه طراحی چرخه‌های سرمایه‌گذاری خارج از ترازنامه می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای ایجاد کند.

۵. عوامل دیگر

عوامل دیگری نیز در دستیابی به صرفه‌های مقیاس مؤثرند؛ از جمله بانکداری جامع (محقق‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۶)، افزایش تعداد شعب (رازینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۷۸)، بهره‌گیری از انواع عقود شرعی برای رفع محدودیت‌ها در تجهیز و تخصیص منابع، استفاده از ابزارهای معنوی برای ترویج سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه، برگزاری جلسات توجیهی برای مشتریان عمده، بهبود سیاست‌های تشویقی حساب‌های قرض‌الحسنه، و بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها و نظام آموزشی برای معرفی بانکداری اسلامی (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

ب) کارایی X

استفاده از عامل صرفه‌های ناشی از مقیاس، زمانی معنا پیدا می‌کند که بنگاه از مشکلی به نام «عدم کارایی X» رها شده باشد (سالواتوره، ۱۳۹۰: ۲۲۵-۲۲۶). به بیان دیگر، صرفه‌های مقیاس تنها زمانی قابل تحقق‌اند که اصل عدم اتلاف منابع و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت عوامل تولید رعایت شود. بانک، چه اسلامی و چه غیراسلامی، به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، برای بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس، بانک باید ابتدا اتلاف منابع را به حداقل و بهره‌وری منابع را به حداکثر برساند و سپس با گسترش دامنه فعالیت خود، به مزایای مقیاس دست یابد.

برای دستیابی به کارایی X، بهبود محیط کاری و ایجاد رفاه و انگیزه برای کارکنان اهمیت دارد (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۹). محیط کاری مطلوب، انگیزه کارکنان را افزایش می‌دهد. در بانکداری اسلامی، «معنویت» نقش پررنگی در انگیزش دارد و تحقیقات مدیریتی نیز این امر را تأیید می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان معنویت و کارایی سازمان رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود دارد. برای نمونه، نتایج هم‌بستگی پیرسون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود این رابطه را تأیید کرده است (زاهدی و علی‌پناهی، ۱۳۸۷: ۲۰۱).



همچنین یافته‌های رگرسیون خطی نشان می‌دهد که معنویت از طریق ایجاد کار هدفمند و معنادار موجب افزایش کارایی سازمان می‌شود؛ زیرا هنگامی که کارکنان احساس کنند کارشان دارای هدف است، کارایی فردی و در نتیجه کارایی سازمانی افزایش می‌یابد (همان: ۲۰۲).

ج) استفاده از فناوری اطلاعات

گسترش بانکداری الکترونیکی و دیجیتال، کارایی را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد (رازینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۷۹). در واقع، دستیابی به مقیاس بهینه، ارتقای کارایی X ، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، افزایش سپرده‌ها، بهبود کیفیت خدمات و حرفه‌ای‌گری کارکنان، همگی مقوله‌هایی مدیریتی‌اند. از این رو، لازم است مدیریت نیز متناسب با این الزامات تقویت و بازآرایی شود.

۲-۴. عوامل مدیریتی

بحث از کارایی بدون توجه به مدیریت ممکن نیست؛ مدیریت می‌تواند یک بنگاه را کارا یا ناکارا سازد. در بانکداری اسلامی این اهمیت دوچندان است، زیرا بی‌توجهی مدیریتی نه تنها کارایی، بلکه «اسلامیت» عملیات بانکی را نیز مخدوش می‌کند. هرچند نقش مدیریت در تمامی سطوح بانک، از سیاست‌گذاری تا جزئی‌ترین امور اجرایی، قابل مشاهده است، در اینجا بر چهار حوزه تمرکز می‌شود: حرفه‌ای‌گری، مدیریت دارایی‌ها، مدیریت ریسک و توزیع قدرت.

الف) مدیریت حرفه‌ای

بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت عوامل تولید و دستیابی به صرفه‌های مقیاس، پیش از هر چیز نیازمند مدیریت کارآمد است. بدیهی بودن این امر مانع از استفاده از شواهد تجربی نمی‌شود. برای مثال، یک تحقیق میدانی در ایران نشان داده است که در میان مجموعه عوامل مدیریتی (بانک مرکزی و مدیریت داخلی بانک‌ها) و عوامل انسانی (مشتریان و کارکنان شعب)، عوامل مدیریتی بیشترین نقش را در عدم پای‌بندی عملی بانک‌ها به بانکداری اسلامی داشته‌اند (محقق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۹).

قحف، بهبود کارایی بانک‌های اسلامی را مستلزم مدیرانی می‌داند که سه مرحله را به‌صورت منسجم دنبال کنند:

- مطالعه و شناسایی حوزه‌های نیازمند بهبود؛
- برنامه‌ریزی شامل تعیین مراحل تغییر و تعریف وظایف مجریان؛
- پایش و ارزیابی اجرای برنامه‌ها (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۹-۲۰۰)؛

در مرحله «مطالعه»، یکی از مؤثرترین ابزارها تحلیل مداوم هزینه و سودآوری هر عملیات و هر مشتری است؛ تحلیلی که با بهره‌گیری از روش‌های مدرن حسابداری بهای تمام‌شده امکان‌پذیر است.

علاوه بر این، نتایج چندین بررسی نشان می‌دهد که چهار عامل زیر در بهبود کارایی بانکداری اسلامی اهمیت ویژه دارند (قحف، ۲۰۱۴: ۲۰۰):

- توزیع قدرت و پرهیز از تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری؛
- ورود سهام بانک به بازارهای داخلی و بین‌المللی؛
- افزایش سهم سرمایه‌گذاری‌های خارج از ترازنامه در سبد سرمایه‌گذاری کل؛
- تقویت همکاری میان بانک‌های مشابه.

اجرای این مراحل نیازمند مدیری حرفه‌ای است؛ مدیری که با اصول بانکداری اسلامی آشنا باشد، به آن‌ها باور داشته باشد و در عمل از آن‌ها تخطی نکند. چنین مدیریت حرفه‌ای، عملیاتی‌سازی سه مرحله فوق را ممکن ساخته و کارایی بانکداری اسلامی را ارتقا می‌دهد. با این حال، مدیریت حرفه‌ای با دو چالش روبه‌رو است:

- مشکل شناسایی مدیران شایسته، زیرا «دستگاه مدیرشناس» وجود ندارد و مسیر کشف مدیر کارآمد ناگزیر با آزمون و خطا همراه است؛
- عدم وجود سازوکار الزام‌آور برای گماشتن مدیران شایسته در بخش خصوصی.

دولتی‌کردن بانک‌ها یا انتخاب مدیران با نظارت دولت معمولاً مشکل را حل نمی‌کند. در شرایط کنونی، نظارت شورای فقهی بر عملیات بانک‌های اسلامی می‌تواند تا حدی مؤثر باشد، البته به شرط آنکه خود تبدیل به مانعی دیگر نشود.



در واقع، به نظر می‌رسد تحقق کامل اصول پولی و مالی اسلامی، چه در قالب بانکداری اسلامی و چه بازارهای مالی اسلامی، نیازمند نوعی جهاد به معنای تلاش سازمان‌یافته برای دفاع از ارزش‌های اسلامی و کارا نشان دادن راه‌حل‌های اسلامی است. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹).

بنابراین، در هر کشور اسلامی باید گروهی از افراد متخصص و متعهد، وظیفه تأسیس بانک‌های اسلامی «واقعی» را برعهده گیرند تا شکل حقیقی بانکداری اسلامی در عمل تجربه و الگوسازی شود.

ب) مدیریت دارایی‌ها

دارایی‌های باکیفیت، سودآوری بانک را افزایش داده و نهایتاً کارایی آن را بهبود می‌بخشند. کیفیت دارایی‌ها که معمولاً با کیفیت تسهیلات اعطایی سنجیده می‌شود، شامل شناسایی دقیق تسهیلات مشکل‌دار، محاسبه سهم آن‌ها در کل تسهیلات و ارزیابی «سلامت» دارایی‌های بانک است (شاهرخی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵). بر اساس رویکرد آینده‌نگر، تسهیلات در پنج طبقه استاندارد، با مراقبت ویژه، زیر استاندارد، مشکوک‌الوصول و غیرقابل وصول دسته‌بندی می‌شوند؛ در ایران این طبقه‌بندی شامل جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول است.

در بانکداری اسلامی، که ماهیتی مشارکتی دارد و ارائه خدمات قرض‌الحسنه بخشی از فعالیت آن است، احتمال سوءاستفاده از خدمات بانکی بیشتر است (منور اقبال و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۲). برای کاهش این مشکل، برخی پژوهشگران الگوی «تفکیک» را پیشنهاد کرده‌اند (داودی و بیدار، ۱۳۹۰: ۴۷-۷۸).

یکی از راهکارهای مکمل، به‌کارگیری سپرده‌های خارج از ترازنامه است. این سپرده‌ها به‌عنوان روشی جذاب برای افزایش تعداد مشتریان و بالا بردن نرخ بازدهی سهام‌داران شناخته می‌شوند، زیرا درآمد ناشی از آن‌ها عمدتاً از فعالیت‌های بنگاه‌داری حاصل می‌شود و کمتر از سایر انواع درآمدهای بانکی در معرض ریسک سرمایه‌گذاری قرار دارد (قحف، ۲۰۱۴: ۱۸۷). البته مشکلات کنونی بنگاه‌داری بانک‌ها در ایران، مانند وام‌دهی به خود و نگهداری املاک مازاد، ناشی از اجرای غیرصحیح سازوکارهای شرعی است، نه ماهیت

سپرده‌های خارج از ترازنامه.

راهکار دیگر حفاظت از سرمایه است. کاهش سرمایه نه تنها مانع جذب سپرده‌ها و سرمایه‌های جدید می‌شود، بلکه ابزارهای موجود برای دستیابی به اهداف بانک را نیز مختل می‌سازد. بنابراین، میزان تنوع سرمایه‌گذاری‌ها و تناسب سررسید سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها اهمیت اساسی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود که بانک‌های اسلامی، سرمایه‌گذاری‌های مشارکت و مضاربه را به سپرده‌های بلندمدت متصل کنند و «خطوط قرمز» مشخصی برای سطح قابل تحمل ریسک سرمایه‌گذاری و ریسک ارزی تعیین نمایند؛ خطوطی که نباید از آن‌ها تخطی شود (قحف، ۲۰۱۴: ۱۹۱-۱۹۳).

ج) مدیریت ریسک

مهم‌ترین اصل در مدیریت ریسک، پای‌بندی به بانکداری صحیح و خردمندانه و رعایت دقیق خطوط قرمز است. این اصل باید در همه بخش‌ها، از مدیریت ارشد تا تنوع‌بخشی به دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده، انتخاب فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حفظ نسبت مناسب سهام به دارایی و ایجاد ذخایر لازم برای تثبیت نرخ‌های توزیع سود، مراعات شود. یکی از ابزارهای مهم در این زمینه، صندوق ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری است که بانک‌های اسلامی ایجاد کرده‌اند. این صندوق امکان جذب نوسانات بازدهی سرمایه‌گذاری را فراهم کرده، بدون آن‌که با الزامات شریعت تعارضی داشته باشد (قحف، ۲۰۱۴: ۲۰۶). علاوه بر این، دخالت‌های بیرونی در فعالیت بانکی، ریسک را افزایش داده یا توان بانک‌ها در مدیریت ریسک را محدود می‌کند. در بانکداری اسلامی ایران نمونه‌هایی از این مداخلات وجود دارد که در برخی پژوهش‌ها از آن‌ها به عنوان عوامل کاهش کارایی نام برده شده است. این موارد عبارت‌اند از:

- تعیین نرخ سود تسهیلات و سود سپرده‌ها توسط شورای پول و اعتبار؛
- الزام بانک‌ها به تخصیص بخشی از منابع به فعالیت‌های خاص؛
- اجبار بانک‌ها به اختصاص سهمی از منابع خود به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت؛
- قوانین مالیاتی که سود سرمایه‌گذاری را «درآمد» و پرداخت سود تسهیلات را «هزینه» تلقی می‌کند؛



- عدم امکان مشارکت واقعی بانک‌ها در مدیریت پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛
- عدم حضور نمایندگان سپرده‌گذاران در مدیریت بانک‌ها.

سه مورد نخست، کنترل مدیران داخلی بانک‌ها بر منابع مالی را کاهش داده و تخصیص منابع بر اساس بازده مورد انتظار و سطح ریسک پروژه‌ها را محدود می‌کند؛ امری که نهایتاً به کاهش کارایی بانکداری اسلامی می‌انجامد (سلامی و بهمنی، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۹). نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا و اصلاح محدودیت‌های مصلحتی (نه شرعی) می‌تواند کارایی بانکداری اسلامی در ایران را افزایش دهد (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

(د) توزیع قدرت

افزایش تمرکز در نظام بانکی معمولاً به کاهش کارایی منجر می‌شود، زیرا تمرکز، رقابت را تضعیف می‌کند (رازینی و سوری، ۱۳۸۶: ۱۷۸). آمارهای مربوط به برخی بانک‌های آمریکایی نشان می‌دهد بانک‌هایی که میان سمت مدیرکل و رئیس هیئت‌مدیره تفکیک قائل شده‌اند، نسبت به بانک‌هایی که این دو مقام را در یک شخص ادغام کرده‌اند، سودآوری بیشتری داشته‌اند (احسان و حسن، ۲۰۰۲: ۲۵۷-۲۸۰).

اگرچه داده‌های مشابه درباره بانک‌های اسلامی وجود ندارد، اما تجربه سایر بانک‌ها و سازمان‌ها قابل تعمیم است و نشان می‌دهد که توزیع بهینه قدرت و جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری، می‌تواند به بهبود کارایی بانک‌های اسلامی نیز کمک کند.

۳-۴. عوامل بازاری

بخشی از عوامل مؤثر بر کارایی، به عوامل بازاری مرتبط است. عقب‌نماندن از رقبا، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سازوکارهای بازار و همکاری با سایر مؤسسات، از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند کارایی بانک‌ها را بهبود بخشند.

(الف) رقابت با سایر بانک‌ها

بانک‌های اسلامی هر زمان در معرض رقابت با بانک‌های غیراسلامی قرار گیرند، عملکرد کاراتر از خود نشان می‌دهند. شواهد تجربی بیانگر آن است که در سال ۲۰۰۱، از میان ۴۶

بانک اسلامی، تنها ۷ بانک توانستند کارایی بالاتر از ۵۰ درصد را ثبت کنند. این بانک‌ها عمدتاً در قطر و بحرین فعالیت داشتند؛ کشورهایی که در آن‌ها بانکداری اسلامی در کنار بانکداری متعارف حضور دارد. در مقابل، از ۲۰ بانک ضعیف در رتبه‌های پایین، ۱۴ بانک اسلامی بودند که بیشتر آن‌ها در پاکستان و سودان فعالیت می‌کردند؛ کشورهایی که ساختار بانکی آن‌ها عمدتاً مبتنی بر نظام غیرربوی بود (نادری و صادقی، ۱۳۸۲: ۳۹-۴۰).

ب) ثبت سهام در بازارهای سهام داخلی و بین‌المللی

برخی تحقیقات نشان می‌دهد بانک‌هایی که به‌صورت شرکت سهامی تأسیس شده و سهام آن‌ها در بازارهای سهام داخلی و بین‌المللی معامله می‌شود، نسبت به بانک‌هایی که سهام آن‌ها وارد بازار سرمایه نشده است، سودآوری بیشتری دارند. دلیل این امر آن است که مدیریت بانک در چنین شرایطی به ارزش بازار سهام حساس‌تر است و انگیزه بیشتری برای بهبود کارایی و افزایش ارزش سهام دارد (قحف، ۲۰۱۴: ۲۰۱).

ج) همکاری با بانک‌های مشابه

سرنوشت نظام بانکی هر کشور به‌طور درونی به هم پیوسته است و بانکداری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. وضعیت نامطلوب یک بانک می‌تواند سایر بانک‌های مشابه را متأثر سازد. از این رو، همکاری میان بانک‌ها و کمک به جلوگیری از بحرانی شدن وضعیت یک بانک، به نفع کل شبکه بانکی است.

بر همین اساس، برخی صاحب‌نظران بر این باورند که بانک‌های اسلامی برای حضور مؤثر در بازارهای جهانی باید پیمان‌های راهبردی با سایر بانک‌ها برقرار کنند. همچنین ایجاد ارتباط میان بانک‌های اسلامی و آن دسته از بانک‌های متعارفی که علاقه‌مند به ارائه خدمات مالی سازگار با اصول اسلامی هستند، می‌تواند سودمند باشد (منور اقبال و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

۵-۳. عوامل ساختاری

ساختار سازمانی بانک نیز بر کارایی آن اثرگذار است. ساختار معیوب موجب کاهش کارایی می‌شود و ساختار سالم به ارتقای آن کمک می‌کند. از این رو، بانک‌های ناکارآمد



باید ساختار خود را یکی از عوامل اصلی کاهش کارایی دانسته و در صورت ضرورت به اصلاح آن بپردازند. بانک‌های اسلامی نیز علاوه بر اصلاح و ساده‌سازی ساختار و حرکت به سوی تخصصی شدن، باید نظارت شرعی را در ساختار خود جدی بگیرند.

الف) اصلاحات ساختاری

برخی پژوهشگران بر این باورند که ساختار کنونی بانک‌های اسلامی - به ویژه در ایران - کارایی لازم برای تحقق اهداف بانکداری اسلامی را فراهم نمی‌کند، زیرا اجرای صحیح این الگو مستلزم حضور تعداد زیادی کارشناس در هر شعبه است که عملاً امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ساختار بانک‌ها متناسب با اهداف و عملیات بانکداری اسلامی اصلاح شود.

در الگوی پیشنهادی، تفکیک میان بانک‌های تجاری عمومی و بانک‌های تخصصی مطرح شده است؛ بانک‌های عمومی وظایف متعارف را بر عهده می‌گیرند و بانک‌های تخصصی در حوزه‌های خاص و متناسب با نیازهای اقتصادی کشور فعالیت می‌کنند. این ساختار جدید می‌تواند به افزایش کارایی، روان‌تر شدن عملیات و امکان نظارت دقیق‌تر بر قراردادهای منجر شود و در نتیجه، سودآوری بانک‌های تخصصی به سطح سودآوری سرمایه در آن بخش و سودآوری بانک‌های عمومی به سطح سودآوری کل اقتصاد نزدیک شود (موسویان، ۱۳۷۸: ۲۱۵-۲۳۵).

پیشنهاد دیگر، بهره‌گیری از الگوی تفکیک بانکداری اسلامی است (محقق‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۹۴). نتایج یک بررسی نشان می‌دهد تفکیک بانکداری اسلامی به بانک‌های قرض‌الحسنه، بانک‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ، در مجموع ۲۱/۹۳ درصد قابلیت انطباق با شاخص‌های مطلوب بانکداری اسلامی را دارد (داودی و بیدار، ۱۳۹۰: ۴۷-۷۸). این امر نشان می‌دهد که تفکیک ساختاری می‌تواند به تحقق بهتر اصول و افزایش کارایی کمک کند.

ب) فعالیت محدود

به نظر می‌رسد بانک‌هایی که دامنه فعالیت محدودتری دارند، کارایی بیشتری نسبت به

بانک‌های با حوزه فعالیت گسترده نشان می‌دهند. یک مطالعه تجربی در سال ۲۰۰۱ نشان داده است که بانک‌های غیرربوی قطر و بحرین به دلیل محدود بودن حوزه فعالیت‌شان، کاراترین بانک‌های اسلامی جهان بوده‌اند. همچنین از میان هشت بانک اسلامی بررسی شده در ایران، دو بانک تخصصی مسکن و کشاورزی کاراترین و بانک تجارت کم‌کارترین بانک بوده است (نادری و صادقی، ۱۳۸۲: ۴۱).

ج) نظارت شرعی

یافته‌های برخی تحقیقات مبتنی بر نظریه پرتقوی نشان می‌دهد اجرای کامل قانون بانکداری بدون ربا می‌تواند موجب افزایش کارایی نظام بانکی شود (سلامی و بهمنی، ۱۳۸۰: ۳۹). تحقق این امر بدون نظارت مؤثر شرعی ممکن نیست. از این رو، نظارت شرعی یکی از نیازهای اساسی بانک‌های اسلامی تلقی می‌شود (منور اقبال و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

بانکداری اسلامی برای اعمال استانداردها و مقررات شرعی در تعامل با مشتریان، سپرده‌گذاران، سهام‌داران و بانک‌های اسلامی و متعارف - و نیز برای نوآوری‌های مالی - به نظارت معتبر و فعال شرعی نیازمند است (قحف، ۲۰۱۴: ۲۰۲-۲۰۳).

نظارت شرعی مؤثر، نه تنها مشروعیت و اعتبار بانک را افزایش می‌دهد، بلکه بهره‌وری آن را نیز بالا می‌برد. برخی پیشنهاد کرده‌اند در هر بانک اسلامی یک متخصص دینی حضور داشته باشد تا ضمن نظارت بر عملیات، به بخش‌های مهندسی مالی و سرمایه‌گذاری کمک کند و حلقه اتصال بانک با هیئت شرعی باشد (همان: ۲۰۳).

کارایی نظارت شرعی، هم به آگاهی و جدیت متخصص مستقر در بانک بستگی دارد و هم به آمادگی بانک برای به‌کارگیری نظرات او. هرچه این دو بیشتر فراهم باشد، کارایی بانک افزایش می‌یابد و در غیر این صورت فاصله بانک از وضعیت مطلوب بیشتر می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جهان امروز، بقا و موفقیت نهادها بیش از هر چیز به کارایی آن‌ها وابسته است. در میان نهادهای اقتصادی، جایگاه نهادهای پولی و مالی ویژه‌تر است؛ زیرا نقش مستقیم در تجهیز و تخصیص منابع داشته و بر تمامی متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارند. از منظر



اسلامی نیز تأکید قرآن بر «قوام» در مصرف دارایی‌ها و نهی از اسراف، ضرورت توجه به کارایی را در بانکداری اسلامی دوچندان می‌سازد.

در این میان، رقابت میان نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری بر سر نشان‌دادن کارایی نهادهای مالی جدی است. هرچند این رقابت از لحاظ پیشینه نظری، پشتوانه قانونی و فرصت‌های عملی برابر نیست، اما واقعیت آن است که فعالان اقتصادی همواره به سوی نظام‌ها و نهادهای کارا تر متمایل می‌شوند.

بررسی‌های نظری و تجربی نشان داده‌اند که بانکداری اسلامی در وضعیت فعلی، کارایی پایین‌تری نسبت به بانکداری متعارف دارد؛ اما این به معنای ناتوانی آن نیست. شواهد متعدد آزموده‌های مالی و بحران‌های اقتصادی نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی، اگر به‌طور واقعی و نه صرفاً صوری اجرا شود، ظرفیت دستیابی به کارایی و حتی ثباتی بالاتر از بانکداری متعارف را دارد.

بهبود کارایی در بانکداری اسلامی مستلزم توجه هم‌زمان به رعایت اصول شریعت و ارتقای کیفیت عملکرد است. این مسیر تنها با مجموعه‌ای از اصلاحات هماهنگ امکان‌پذیر می‌شود؛ از جمله:

تنظیم مقیاس فعالیت‌ها بر سطح بهینه و بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس؛

ارتقای کیفیت خدمات و افزایش رضایت مشتریان؛

توسعه فناوری اطلاعات و بانکداری دیجیتال؛

تقویت مدیریت حرفه‌ای، مدیریت ریسک و مدیریت دارایی‌ها؛

اصلاح ساختار بانک‌ها، تخصصی‌سازی فعالیت‌ها و ساده‌سازی فرآیندها؛

ایجاد و تقویت نظارت شرعی مؤثر و غیر صوری؛

افزایش رقابت با بانک‌های متعارف و همکاری فعال با سایر نهادهای مالی اسلامی و

غیراسلامی.

در نهایت، آینده بانکداری اسلامی در گرو اجرای اصیل و واقعی اصول مالی اسلامی، دوری از صوری‌سازی، و تلاش مستمر برای بهبود کارایی در تمامی ابعاد فنی، مدیریتی، ساختاری و بازاری است. تنها در این صورت، بانکداری اسلامی می‌تواند قابلیت‌های

نهفته خود را آشکار کرده و به عنوان الگویی پایدار، کارا و الهام‌بخش در نظام مالی جهانی مطرح شود.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، سعید، بیدرام، رسول، عمادزاده، مصطفی، (۱۳۸۷)، «بررسی کارایی بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف جهان (با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها)»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، س ۵، ش ۱۰، ص ۱۱۵ - ۱۳۶.
۲. اخوت، نصیر، (۱۳۹۲)، «بررسی نظری تأمین منابع ارزان‌قیمت و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، س ۴، ش ۲۰، ص ۳۱ - ۵۸.
۳. اداره مطالعات و مقررات بانکی، (۱۳۸۵)، دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های موسسات اعتباری، پیوست بخشنامه شماره مپ / ۲۸۲۳.
۴. ایروانی، جواد، (۱۳۹۴)، پول و بانکداری اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
۵. بحیرایی، علیرضا، حامدی، رضا، (۱۳۹۱)، «مدل‌سازی و اندازه‌گیری کارایی بانک‌های ایران: با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس ریاضیات مالی و کاربردها، سمنان: دانشگاه سمنان.
۶. توکلی، محمدجواد، کریمی، عبدالخالق، (۱۳۹۳)، «شاخص بانکداری اسلامی»، معرفت اقتصادی، س ۶، ش ۱۱، ص ۷۱ - ۹۴.
۷. حسینی، شمس‌الدین، سوری، امیررضا، (۱۳۸۶)، «برآورد کارایی بانک‌های ایران و عوامل مؤثر بر آن»، پژوهش‌نامه اقتصادی، ش ۲۵، ص ۱۲۷ - ۱۵۶.
۸. دانش‌جعفری، داود، شفیعی، افسانه، (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر کارایی فنی در بانک‌های ایران با استفاده از الگوی اثرات مختلط / چندسطحی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۹۷، ص ۱ - ۳۳.
۹. داودی، پرویز، بیدار، محمد، (۱۳۹۰)، «بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، س ۳، ش ۵، ص ۴۷ - ۷۸.





۱۰. دومینیک سالواتوره، (۱۳۹۰)، *تئوری و مسائل اقتصاد خرد*، ترجمه: حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
۱۱. رازینی، ابراهیم علی، سوری، امیررضا، (۱۳۸۶)، «تأثیر ادغام، تمرکز و ریسک اعتباری بر کارایی صنعت بانکداری ایران: ۱۳۸۰ - ۱۳۸۴»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۱۵۴ - ۱۸۴.
۱۲. زاهدی، شمس السادات، علی‌پناهی، علی، (۱۳۸۷)، «بررسی نقش معنویت در کارایی بانکداری»، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، ش ۱۹، ص ۵۸، ص ۱۹۱ - ۲۰۹.
۱۳. سلامی، حبیب‌الله، بهمنی، علی، (۱۳۸۰)، «اثر تعیین نرخ سود تسهیلات بر کارایی بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، ش ۲، ص ۲۷ - ۴۰.
۱۴. سهیلی، کیومرث، (۱۳۸۷)، «مقایسه نظری کارایی بانکداری غیرربوی و ربوی در تجهیز و تخصیص منابع»، مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱، ص ۱۱۳ - ۱۳۸.
۱۵. شاه‌رخ، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «نظریات جدید در مورد کیفیت دارایی بانک‌ها»، مجله بانک و اقتصاد، ش ۵۷، ص ۴۴ - ۴۵.
۱۶. صدر، محمدباقر، (۱۴۰۱ق)، *البنک اللاربوی فی الاسلام*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ هفتم.
۱۷. فراهانی فرد، سعید، نظریور، محمدتقی، بایی، سارا، (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی؛ مطالعه موردی: تأثیر بحران ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۴۶، ص ۹۳ - ۱۲۲.
۱۸. محقق‌نیا، محمدجواد، (۱۳۹۲)، *ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
۱۹. محقق‌نیا، محمدجواد، ابراهیمی، سیداحمد، محرابی، لیلا، (۱۳۹۴)، «ارزیابی کارایی بانکداری بدون ربا در ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی بر اساس رویکرد تحلیل



پوششی داده‌ها (DEA)»، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد اقتصادی، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۱۱-۱۳۹.

۲۰. محقق‌نیا، محمدجواد، بختیاری، احمد، گلوانی، احسان، (۱۳۹۳)، «بررسی سهم عوامل انسانی و مدیریتی در عدم پای‌بندی عملی بانک‌ها به بانکداری اسلامی»، مجله بانک و اقتصاد، ش ۱۳۰، ص ۲۱-۲۹.

۲۱. منور اقبال، اوصاف احمد، طریق الله خان، (۱۳۸۷)، چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی، ترجمه: حسین میسمی و مسلم بمانپور، تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ اول.

۲۲. موسویان، سید عباس، (۱۳۷۸)، «ساختار مطلوب بانکداری بدون بهره و تأثیر آن در کارایی نظام بانکی»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دهمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ص ۲۱۵-۲۳۵.

۲۳. موسویان، سیدعباس، (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی ۱: مبانی نظری-تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول.

۲۴. میرمعزی، حسین، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۷، ص ۴۵-۷۴.

۲۵. نادری کزج، محمود، صادقی، حسین، (۱۳۸۲)، «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۵-۵۲.

۲۶. نبی، منوچهر، وفایی، سارا، افتخاری شاهی، جابر، (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف در ایران و مالزی (با رویکرد سودآوری)»، دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تامین مالی در ایران، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.

27. Chapra, M. U. (1985). *Towards a just monetary system*. Leicester, UK: The Islamic Foundation.

28. Fahim Khan, M. (1992). *Human resources mobilization through the profit-loss sharing based financial system*. Jeddah: Islamic Development Bank.
29. Hamdan Bin Mohammed Smart University & Dubai Center for Islamic Banking & Finance. (2014). *Islamic banking: Growth, efficiency and stability* (DCIBF Annual Report 2014). Dubai: DCIBF.
30. Hamdan Bin Mohammed Smart University & Dubai Center for Islamic Banking & Finance. (2015). *Islamic banking: Growth, efficiency and stability* (DCIBF Annual Report 2015). Dubai: DCIBF.
31. Bateman, H., & McAdam, K. (2006). *Dictionary of economics*. London: Routledge.
32. Isik, I., & Hassan, M. K. (2002). *Cost and profit efficiency of the Turkish banking industry*. *Financial Review*, 37(2), 257–280.
33. Grubbs, M. R., & Reienbach, R. E. (1991). *Client service renaissance*. Chicago, IL: Bankers Publishing Co.
34. Gackle, M. (1994). *Bankers as brokers: The complete guide to selling mutual funds and other fee-based investment products*. Chicago, IL: Probus Publication Co.
35. Kahf, M. (2014). *Notes on Islamic economics: Islamic finance and banking*. USA: Author.
36. Rafikhan, S. (1983). *Profit and loss sharing: An economic analysis of an Islamic financial system*. Michigan: University Microfilms International.
37. <http://rqbank.ir>
38. <http://sandoghdaftar.ir>
39. <http://www.qmb.ir/AboutBank/History/Targets.aspx>

